



سال چهارم شماره ۲۶۵ شنبه ۲۳۰ آذر ۱۳۹۸

www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb

اجتماعی کردن مواجهه با قدرت منطقه‌ای ایران

جوان: امریکایی‌ها با شروع دولت ترامپ مواجهه با ایران را به عرصه اجتماعی ارجاع دادند و بر این باور بودند که با فشار اقتصادی-روانی، تقابل مردم و حاکمیت را رقم خواهند زد و به بی‌ثبات‌سازی سیاسی-امنیتی در ایران خواهند رسید. به‌رغم همه فشارها با هوشیاری ملت ایران این راهبرد ابتر ماند. اما هدف اساسی آنان از فشار بر ایران چه بود؟ هدف اساسی این بود که بتوانند ایران را از منطقه غرب آسیا اخراج و سیستم بازدارنده موشکی آن را نیز بی‌خاصیت کنند و به‌رغم فشار بر ملت ایران با تهدیدات نظامی-اقتصادی و بستن بسیاری از ورودی‌ها و خروجی‌های ایران به این مهم دست نیافتند. در این میان احساس کردند اگر جنگی آغاز شود، ۶ هزار نیروی نظامی امریکا در عراق نابود خواهند شد؛ بنابراین برای مواجهه با ایران از طریق تغییر در ریل انتخابات مردم عراق تلاش کردند، اما دولت برآمده از رأی ملت عراق آنان را ناامید کرد. عدم تمکین دولت جدید عراق به تحریم‌های امریکا علیه ایران، باز نمودن گذرگاه بوکمال در مرز سوریه، قانونی کردن حشدالشعبی، مبارزه با فساد و تلاش برای ایفای نقش منطقه‌ای از سوی دولت عادل‌المهدی، باعث گردید امریکایی‌ها روش مبارزه با نظام جمهوری اسلامی در منطقه را تغییر دهند و با اقدامات اجتماعی نظیر NGO سازی، اعطای بورس‌های تحصیلی و مسافرت‌های معنادار جوانان عراقی به امریکا، زمینه‌های اجتماعی ایران‌ستیزی در عراق را رقم بزنند و از سوی دیگر حرکت‌های اعتراضی در لبنان را در نقطه نهایی به سمت خلع سلاح مقاومت رهنمون شوند، بنابراین نبود زیرساخت‌های خدماتی در عراق پس از ۴۰ سال جنگ و نارضایتی‌های اجتماعی باعث حرکت‌های اعتراضی شد، اما پس از سه‌روز کسی دیگر صحبت از شغل، آب و برق نمی‌کرد. حمله به مراکز ایران و حشدالشعبی شروع شد. پول امارات و سعودی‌ها به میدان آمد و راهبرد «بی‌دولت‌سازی» در عراق به مطالبه اصلی تبدیل گردید. در لبنان نیز پس از حمایت علنی و غیرعلنی حزب‌الله از حریری، امریکایی‌ها بر نبود وی مصمم‌تر شدند و او را وادار به استعفا کردند. در اینکه امریکایی‌ها از طریق ۱۲۴ NGO اصلی و ۱۷۰۰ NGO فرعی و توزیع پول درصدد استمرار تجمعات در عراق شدند، تردیدی نیست و به‌رغم استعفای دولت مستقر، خشونت‌ها و تجمعات پایان نیافت. علت اصلی مداومت اغتشاشات این است که گزینه‌های بعدی نخست‌وزیری نیز باب میل امریکایی‌ها نیستند و امریکایی‌ها تصمیم گرفته‌اند به تحقیر ۱۶ ساله خود در عراق به هر صورت ممکن پایان دهند. این در حالی است که نفت، پول، بانک مرکزی و سیستم امنیتی عراق را نیز کنترل می‌کنند، اما هیچ موقع از طریق دموکراسی در عراق به اهداف خود نرسیدند.

ترامپ: می‌ترسند زودتر

محاكمه‌ام کنند

جوان آنلاین: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا سومین رئیس‌جمهور تاریخ امریکا است که طرح استیضاحش در مجلس نمایندگان تصویب شده است. دونالد ترامپ در صورت رأی موافق دو سوم سناتورها به طرح استیضاح از سمت خود برکنار می‌شود. دموکرات‌ها به دلیل در اقلیت قرار داشتن، به شدت نگران این هستند که طرح استیضاح رأی نیاورد. این در حالی است که یک نظرسنجی که به‌صورت مشترک از سوی مؤسسه «هریس‌ایکس» و نشریه هیل انجام شده، نشان می‌دهد ۵۳ درصد از امریکایی‌ها می‌گویند مدارک مستدلی برای استیضاح ترامپ وجود دارد، اما ۴۷ درصد اعتقاد دارند که دموکرات‌های مجلس نمایندگان مدارک کافی ارائه نکرده‌اند. ترامپ به خوبی از وضعیت شکننده دموکرات‌ها مطلع است و به همین خاطر او دیروز با ارسال یک توثیق خواستار شد که مصوبه مجلس نمایندگان برای پیگیری عدم کفایت او هرچه زودتر به اجرا گذاشته شود. به گفته ترامپ دموکرات‌ها به دنبال راه فرار از پیگیری روند محاکمه او هستند. رئیس‌جمهور امریکا در توثیقی نوشته است: «بعد از اینکه دموکرات‌ها برای من حق برخورداری از هیچ‌گونه رویه جاری در کنگره را منظور نکردند، هیچ چیز، حالا می‌خواهند به سنا بگویند که کار محاکمه را چطور پیش ببرد. عملاً شواهد آنان صفر است و هیچ‌وقت دنبال این کار را نخواهند گرفت. آن‌ها دنبال راه فرار هستند. من خواستار محاکمه فوری خودم هستم.» او گفته است که دموکرات‌ها در حالی درصدد توسل به پیگرد رئیس‌جمهور هستند که «حتی یک مورد تخلف و جرم را نتوانسته‌اند به طور مستند مطرح کنند.» ترامپ می‌گوید که مواردی که حزب دموکرات به عنوان جرم مطرح کرده و بر اساس آن‌ها به دنبال پیگرد اوست، واقعیت ندارد و جرمی به وقوع نپیوسته است.

ماشه را چکانده‌اند، باج ندهید!

فارس: نکته‌ای که در پی می‌آید، پیچیده نیست که برای درک آن به اذهان پیچیده نیازی باشد و پنهان و چند لایه هم نیست که بدون دسترسی به اسناد محرمانه و طبقه‌بندی شده قابل فهم نباشد! برجام در نهایت یک معاهده و توافق چندجانبه است - یعنی بود- و مانند همه توافقات چندجانبه، اعتبار آن به حضور همه اعضا در آن است. بنابراین برجام با خروج آمریکا که یکی از اعضای این معاهده بود، دیگر وجود خارجی ندارد...

حالا بر فرض که خروج آمریکا از برجام و نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل - که محرمانه و قابل مجازات است - را نادیده بگیریم و برجام را با حضور سایر اعضا، از جمله سه کشور اروپایی قابل ادامه بدانیم! در این صورت هم برجام وجود خارجی ندارد. چرا که سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان از هنگام اجرایی شدن برجام تاکنون - یعنی بعد از خروج آمریکا تا به امروز هم - اولاً به تمام تحریم‌های آمریکا علیه ایران پایبند بوده‌اند و ثانیاً به هیچیک از تعهدات برجامی خود نیز عمل نکرده‌اند! با توجه به نکات فوق که کمترین ابهامی در آن نیست باید از مسئولان محترم کشورمان پرسید؛ آیا برجام وجود خارجی دارد که پی‌درپی اعلام می‌فرماید جمهوری اسلامی از برجام خارج نمی‌شود؟! و از آنجا که در برجام همه امتیازات را به حریف داده و در مقابل «هیچ» امتیازی نگرفته‌ایم، آیا ادامه حضور کشورمان در برجام، غیر از باج دادن به حریف می‌تواند معنی و مفهوم دیگری داشته باشد؟! دیروز سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان اعلام کردند که اگر جمهوری اسلامی به کاهش تعهدات خود در برجام ادامه بدهد از «مکانیسم ماشه» استفاده خواهیم کرد. نتیجه نهایی مکانیسم ماشه - Snapback - بازگشت قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت سازمان ملل علیه کشورمان است. در این باره گفتنی است که؛ الف - در برجام، قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران اسلامی لغو نشده بلکه تحت قطعنامه ۲۲۳۱ جمع شده و در صورت تخلف ایران از برجام قابل بازگشت خواهد بود! خُب، سؤال این است که کدامیک از قطعنامه‌های قبلی در حال اجراء نیست که باید از بازگشت آنها نگران باشیم و از ترس بازگشت باج بدهیم؟! ب - موضوع تمامی قطعنامه‌هایی که ادعا می‌شود با برجام لغو شده است، تحریم کشورمان است! آیا هم‌اکنون انواع تحریم‌ها علیه ایران اسلامی اجراء نمی‌شود؟! و آیا هیچ تحریم دیگری را می‌توان آدرس داد که علیه کشورمان به کار نگرفته و در حال اجراء آن نباشند؟! بنابراین ماشه مورد اشاره در مکانیسم ماشه را مدتهاست که چکانده‌اند! ج - مسئولان محترم هسته‌ای بارها به «قطعنامه فصل هفت» منشور سازمان ملل علیه کشورمان اشاره کرده و ضمن آنکه خارج شدن ایران از ذیل فصل هفت منشور را یکی از دستاوردهای برجام! معرفی کرده‌اند، بازگشت این فصل را نیز نگران‌کننده دانسته‌اند! که در این خصوص باید گفت جمهوری اسلامی ایران، برخلاف ادعای آقایان از ذیل فصل هفت خارج نشده است. چرا؟! بخوانید! د - نکته مهم در فصل هفتم منشور ملل متحد، بندهای ۴۱ و ۴۲ آن است. بر اساس بند ۴۱، شورای امنیت می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد کشور هدف را تحریم کنند. این تحریم‌ها شامل قطع روابط تجاری و بانکی و بیمه‌ای و ... می‌شود. و اما بر پایه بند ۴۲ منشور یاد شده، کشور هدف می‌تواند با حمله نظامی نیز روبه‌رو شود! گفتنی است اگر در قطعنامه از واژه و عنوان «ذیل فصل هفت» استفاده شده باشد، هر دو مورد تحریم و حمله نظامی در دستور قرار می‌گیرد ولی اگر از عنوان «ذیل بند ۴۱ فصل هفت» استفاده شده باشد، فقط تحریم‌ها قابل انجام خواهد بود و نه گزینه نظامی و در صورتی که استفاده از بند ۴۲ - گزینه نظامی - مورد نظر باشد، شورای امنیت باید با کسب نظر کشورهای دیگر، قطعنامه جدیدی صادر کند.

متهم ناکار آمدی مجلس کیست؟

تابناک: بی شک برای آحاد کسانی که داوطلب نشستن بر کرسی نمایندگی ملت شده اند، «آسیب شناسی» عملکرد پارلمان یک ضرورت است. اساساً از رهگذر همین نقد و ارزیابی ها است که افکار عمومی در انتخابات اسفندماه می تواند به تصویر روشن از وضع موجود و مطلوب نهاد پارلمان دست یابد و صف مدعیان اصلاح و کارآمدی را از یکدیگر تمییز دهد. سوال جدی بسیاری از مخاطبان بحث کارآمدی مجلس این است که براسستی عوامل تضعیف یا تنزل نقش این نهاد در دو عرصه نظارت و قانونگذاری چیست؟ برای احیای نقش تعیین کننده مجلس در چرخش امور کشور کدام راهکارها را باید به آزمون نهاد؟ در کار آسیب شناسی، شاید ساده ترین راه این باشد که همه تقصیرها در ماجرای افول نقش مجلس را بر گردن یک فرد یا نهاد بالادستی بیندازیم اما آیا واقعیت های درون مجلس بویژه اتفاقات ۴ سال بهارستان نیز چنین حکم می کند؟ این گزاره ای درست و نزدیک به واقعیت است، و کمتر کسی از فعالان عرصه سیاست و افکار عمومی در این نکته تردید می افکند که پارلمان از ایفای بسیاری از نقش ها و استیفای حقوق مردم در دو عرصه قانونگذاری و نظارت بازمانده است اما سخن بر سر راههای برون رفت از چالش و ارائه طریق است. همه آنها که از سیر طولانی تدوین و تصویب این لایحه در دولت و مجلس مطلع هستند می دانند که کمترین فرصت برای کارشناسی و گفت و گو با مراجع و نهادهای تصمیم گیر حول این رشته از سیاست کلان نظام مصرف شده است بویژه دو لایحه پالرمو و پولشویی با شتابزدگی باور نکردنی به مجمع تشخیص ارسال شده است شما از هیات رئیسه محترم و کمیسیون های تخصصی بپرسید چه اندازه حول محتوا و مفاد این لوایح کلیدی مطالعه و بررسی صورت گرفته است. اساساً سوال این است که چرا مجلسیان به راحتی از وظیفه ذاتی و حرفه ای خویش در واکاوی این لوایح و تصویب آنها فروگذار کردند و عجیب ترین تصمیم را که احاله اصل و فرع این لوایح به نهاد بالادستی است را پیش گرفتند. آیا این اتفاق خود نشانه ای بارز از ناکارآمدسازی و انفعال مجلس بدست صاحبان خانه ملت نیست؟

مجلس آینده در صورتی می تواند به عنوان و عیار کارآمدی زینت بگیرد که :

۱- در گام نخست برای الغا و تنقیح قوانین تکراری، قوانین مبهم و قوانین معارض که سرچشمه های اصلی سوء استفاده از قدرت و منشاء رانت و فساد هستند را همت گمارد. ۲- تیم های کارشناسی مجلس می بایست طرح و پیشنهادات نمایندگان و مصوبات این نهاد را با سه معیار؛ نیازهای واقعی مردم، همچنین ظرفیت ها و اصول اجرا نشده قانون اساسی و سیاست های کلان رهبری انطباق دهد. ۳. با تعیین حدود و ثغور صلاحیت نهادهایی که به وضع مقررات می پردازند روح انسجام و بالتبع اقتدار را بر مسیر مغشوش قانونگذاری کشور بازگرداند.

چه انتظاری می توان از "شینزو آبه" داشت؟

بصیرت: خرداد ماه سال جاری بود که نخست وزیر ژاپن برای ایفای نقش واسطه گری در روابط ایران و امریک و افزایش روابط اقتصادی با تهران راهی کشورمان شد. هرچند آن زمان نیز برخی تحلیلگران خوش بین اقتصادی پیامد مثبتی از افزایش روابط تجاری میان ایران و ژاپن را طی این سفر پیش بینی می کردند، ولی واقعیت آن است که با گذشت شش ماه از آن سفر، هنوز هیچ اقدام مهم عملی از سوی ژاپن در خصوص افزایش روابط تجاری با کشورمان مشاهده نمی شود. از این رو به نظر می رسد در خصوص سفر دکتر روحانی، رئیس جمهور کشورمان به ژاپن نیز نتایج و دستاوردهای تجاری و اقتصادی میان دو کشور بدست نیاید؛ این امر ناشی از واقعیت دستاورد صفر درصدی شش ماه اخیر نیست، بلکه ناشی از رفتارهای کلان سیاسی و اقتصادی ژاپن نسبت به ایران، بعد از اعمال مجدد تحریم های امریکا قابل ارزیابی است. ژاپن یکی از کشورهای خریدار عمده نفت ایران طی سال ها و دهه های اخیر بوده است. اما این کشور از زمان خروج امریکا از برجام و اعمال تحریم های مجدد دولت ترامپ بر علیه کشورمان، خرید نفت ایران را متوقف کرد و تا کنون همراهی کاملی با تحریم های امریکا بر علیه کشورمان داشته است. این رفتار غیرمستقلانه ژاپن در برقراری روابط با ایران، نشان می دهد که این کشور تا زمانی که سیاست مستقل اقتصادی و سیاسی، بدون تأثیرپذیری از فشارهای خارجی (آمریکایی) نداشته باشد، نمی تواند خود را به عنوان کشوری قدرتمند و تأثیرگذار در آسیا و جهان بقبولاند. در ثانی در چنین وضعیتی دولت ژاپن قابلیت ایفای نقش واسطه گری میان ایران و امریکا را به هیچ وجه نخواهد داشت.

آموزش تحلیل سیاسی / تاثیر علم

علم و دست برتر علمی، راز پیشرفت هر کشوری در اقتدار اقتصادی، سیاسی، نظامی و روحیه ای است. علم باید با اخلاق و ایمان همراه شود تا ما به همان چاله های نیفتیم که غرب در آن افتاد. علم با دین و اخلاق هست که برای بشریت مفید خواهد بود. علم هر چه هم پیشرفت کند، اگر از اخلاق و دین فاصله بگیرد، به حال بشریت مفید نخواهد بود.